

تأملی بر مفهوم مالکیت و چالش‌های حقوقی حفاظت از بناهای تاریخی

سند اینجا به نام کیست؟

چندی است که اخبار صدور سند ابنیه تاریخی در رسانه‌های مختلف منتشر می‌شود؛ خبری امیدوارکننده و مسرت‌بخش که بی‌تردید می‌توان آن را گامی مهم در جهت ساماندهی وضعیت حقوقی این آثار به شمار آورد. اما پیش از هر داوری شتاب‌زده‌ای درباره این اقدام، بهتر است این موضوع از جوانب مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

کارشناسان و مدیران شهری درباره پیامدهای رایگان شدن حمل‌ونقل عمومی اختلاف نظر دارند

رایگان‌سازی روی ریل تردید

شورای شهر تهران می‌گوید حمل‌ونقل رایگان، ترافیک و آلودگی را کم می‌کند؛ منتقدان اما از ازدحام و کمبود ظرفیت می‌گویند

دیدگاه



فاطمه باباخانی
روزنامه‌نگار

مقلب‌ها بخشیده نمی‌شوند

نگاه



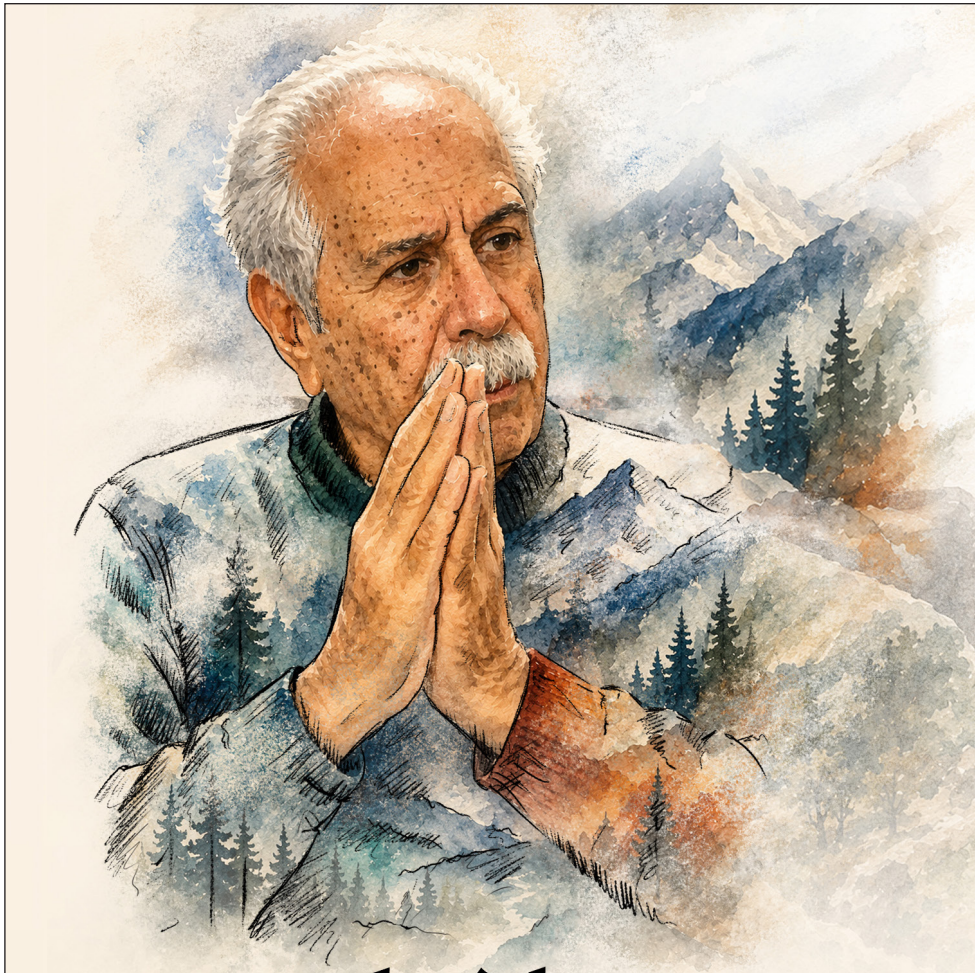
اسارا شرفی پورا
روزنامه‌نگار

آیا صنعت نساجی ایران آماده عصر کم‌آبی است؟

روزنامه ساما

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۱۵ | یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payama.ir



میراث‌دار امید، احترام و حفاظت

شاگردان «هوشنگ ضیایی» در «سه‌شنبه‌های بخارا» از مردی گفتند که عشق به طبیعت را آموزش داد

طرح مجسمه ملازاده پیام با

گیشه زنده شد؟

نگاهی به وضعیت گیشه سینما و تئاتر در روزهای پس از جنگ

درد دندان

«پیام ما» از وضعیت سلامت دهان و دندان ایرانیان گزارش می‌دهد

نساجی تشنه آب

بحران آب به یکی از مهم‌ترین چالش‌های صنعت نساجی و مد در ایران وجهان تبدیل شده است

سناریوی جدید برای پرندگان آبی خزر

نگرانی

از سرنوشت بناهای تاریخی در «لبنان»

۸۱ درصد دستیاران پزشک در فکر رفتن اند

پیام ما | درحالی‌که سیاست‌گذاران سلامت همواره از گسترش ظرفیت دسترسی و تربیت نیروی متخصص سخن می‌گویند، تازه‌ترین نظرسنجی انجمن روان‌پزشکان ایران تصویری نگران‌کننده از وضعیت همین نیروهایی ترسیم می‌کند که قرار است ستون فقرات درمان کشور باشند. نیروهایی که اکثریت قاطعشان دل در گرو ماندن ندارند. بر اساس این نظرسنجی که از میان ۲۵۴ دستیار پزشکی انجام شده، ۸۱.۵ درصد اعلام کرده‌اند که تمایل به مهاجرت دارند. رقم تأمل‌برانگیزتر اما آنجاست که ۷۹.۵ درصد گفته‌اند اگر پیش از ورود به دوره تخصص، شناختی را که امروز از شرایط دسترسی دارند کسب کرده بودند، مهاجرت را برپرو خود ترجیح می‌دادند. این یعنی نزدیک به هشت نفر از هر ده دستیار، انتخاب مسیر فعلی خود را زیر سؤال می‌برند. این داده‌ها فراتر از یک ناراضی صفتی ساده‌اند؛ آنها نشانه‌ای از شکاف میان واقعیت دوره دسترسی و تصویری هستند که سیاست‌گذاری آموزش پزشکی از آن ارائه می‌دهد. دوراهی که قاعدتاً باید جذاب‌ترین مرحله مسیر حرفه‌ای یک پزشک باشد، اکنون برای اکثریت تربیت‌شوندگان به نقطه شیبانی بدل شده است. وقتی نظام آموزشی موفق نمی‌شود انگیزه ماندن را در همان مرحله تربیت ایجاد کند، پرسش اصلی متوجه طراحی این سیاست‌هاست، نه صرفاً تصمیم فردی دستیاران.

«محمد رضا جلالی ندوشن»، سخنگوی انجمن روان‌پزشکان ایران، با اشاره به ابعاد بزرگ‌ترین بحران می‌گوید: «اکنون شاهد خروج تعداد بسیار زیادی پرستار آموزش دیده و حرفه‌ای از کشور در سال‌های گذشته بوده‌ایم که در بسیاری از کشورهای اروپایی یا آمریکای شمالی مشغول به کار شده‌اند. این افراد قابل جانشینی نیستند. درحقیقت شاید با وضعیت متأسفانه ناسامان رویه‌روپاشیم». تأکید این نظرسنجی بر «جانشین‌ناپذیری» نیروی آموزش دیده، نقطه‌ای است که اغلب در محاسبات سیاست‌گذاران غایب می‌ماند. هزینه تربیت یک پزشک یا پرستار متخصص طی سالیان، با خروج او نه تنها به هدر می‌رود، بلکه عملاً به سرمایه‌ای برای نظام‌های سلامت کشورهای مقصد تبدیل می‌شود. پرسشی که این آمار پیش روی مسئولان سلامت قرار می‌دهد روشن است: تا چه زمانی می‌توان بحران نگهداشت نیرو را با افزایش ظرفیت ورودی پنهان کرد، درحالی‌که خروجی این نظام رو به فرسایش است.

آگهی تجدید مرحله اول مزایده عمومی

فروش درام (قرقره) کابل‌های فلزی به میزان تقریبی ۱۳۰۰۰ کیلوگرم

شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر در نظر دارد، فروش درام (قرقره) کابل‌های فلزی به میزان تقریبی ۱۳۰۰۰ کیلوگرم را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید، جهت اخذ اسناد مزایده از تاریخ ۰۹/۰۳/۱۴۰۵ به سایت این شرکت به آدرس www.ggz.ir مراجعه نمایند.

- آخرین زمان ارائه پاکت‌ها و پیشنهادات: ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۹/۰۳/۱۴۰۵
- شرکت، در قبول یار پیشنهادات مختار است.
- سپرده شرکت در مزایده: ۳۵۷,۵۰۰,۰۰۰ ریال (سیصد و پنجاه و هفت میلیون و پانصد هزار ریال)
- هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد.
- کلیه مشخصات لازم در اسناد مزایده ذکر گردیده است.
- تاریخ بازدید: روز سه‌شنبه مورخ ۱۳/۰۳/۱۴۰۵ (ساعت ۱۰ صبح هماهنگی آقای مهندس غیائی ۰۹۱۵۵۰۹۸۳۳۱)
- محل تحویل اسناد، پیشنهادات: سیرجان کیلومتر ۵۰ جاده محور سیرجان شیراز شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر ساختمان‌های هلدینگ مستقر برتبه، بلوک ۵ (دبیرخانه شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر)
- تلفن جهت هر نوع هماهنگی: ۰۹۱۲۴۴۷۴۲۰۲۰۲ آقای شامحمدی (به‌غیر از ایام تعطیل)

مدیریت حقوقی و قراردادهای شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر

یادداشت

«دل‌تورو» و هیولاهای شهری

سیاست‌گذاری برای آینده‌های هنوز بی‌نام

بود، نه اخلاقی و مناسباتی برای مواجهه با او. بسیاری از سیاست‌های نوآوری نیز همین‌گونه شکست می‌خورند. فضای دانشگاهی هست، اما گفت‌وگو نه، نهاد مالی هست؛ اما سرمایه‌های صورت نه، آیین‌نامه‌ها و اسناد بالادستی بسیار دارد؛ اما حافظه نهادی نه، در یک‌کلام بازیگران و فعالان اکوسیستم هستند، اما حیات واقعی نه.

از رهگذر این پنجره و قاب، شاید بتوان شهر سیدنی در استرالیا را به‌عنوان یک مورد مطالعاتی قابل تأمل دید، شهری که در سال‌های اخیر فقط به کمک به شکل‌دهی استارت‌آپ‌ها قانع نبوده، بلکه کوشیده برای رشد و ماندگاری آن‌ها زیستگاه سازد. اهمیت سیدنی در این نیست که چند نام درخشان مانند «Atlasian»، «Canva»، «SafetyCulture» یا دیگر بازیگران بزرگ فناوری را در خود جای داده است، اهمیت آن در این است که سیاست‌گذار شهری و ایالتی، مسئله را صرفاً در «خلق یونیکورن» خلاصه نکرده، بلکه به پرسش دشوارتر پرداخته است، اینکه فعالان و بازیگران حوزه نوآوری در چه محیطی زنده می‌مانند، رشد می‌کنند و چگونه به ظرفیت اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شوند؟

برای فهم این مدل، در طرح‌های توسعه‌ای سیدنی، شاید بشود بسترهای نوآوری را به سه ناحیه یا بهتر بگوییم سه نوع زیستگاه تقسیم‌بندی کرد، زیستگاه برخورد در «Tech Central»، زیستگاه ساختن در «Bradfield» و زیستگاه مراقبت در «Westmead». این سه‌گانه، به‌ظاهر جغرافیایی است، اما در واقع سه پاسخ سیاستی است به سه نیاز متفاوت زیست‌بوم نوآوری، نیاز به برخورد، نیاز به خلق و نیاز به مراقبت.

این نگاه، در سند «NSW Innovation Blueprint ۲۰۳۵» نیز به شکل روشن دیده می‌شود. دولت ایالت نیوساوت‌ولز این سند را به‌عنوان برنامه‌ای ده‌ساله برای تبدیل این ایالت به یکی از قدرتمندترین نوآوری در استرالیا معرفی کرده است. نخستین نمونه، «Tech Central» است، ناحیه‌ای به مساحت شش کیلومترمربع در منطقه مرکزی سیدنی که دولت نیوساوت‌ولز آن را یکی از مهم‌ترین نواحی نوآوری استرالیا معرفی می‌کند. طبق راهبرد توسعه اقتصاد Tech Central، این منطقه، اقتصادی در حدود ۴۲ میلیارد دلار را عهده‌دار است و نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر نیروی کار را در بیش از ۴۳۰۰ کسب‌وکار در خود جای داده است. از شرکت‌های مطرحی مانند Canva و Block گرفته تا شبکه‌ای از دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، شرکت‌های نوپا و سرمایه‌گذاران.

مسئله این است که Tech Central را نباید صرفاً به‌عنوان یک خوشه فناوری فهمید. ایده اصلی آن، ساختن «زیستگاه برخورد» است. تصور غالب در ایجاد این هاب نوآوری بر این است که نوآوری لزوماً از دل جلسات بارش فکری بیرون نمی‌آید، بلکه از مجاورت، تصادف، تراکم، تکرار دیدارها، گفت‌وگوهای غیررسمی، تغییر شکل‌ها، حرکت آدم‌ها میان دانشگاه و شرکت، و برخوردهای پیش‌بینی‌نشده در دل شلوغی شهر بیرون می‌آید. Tech Central در این معنا، فقط محل استقرار شرکت‌ها نیست، نوعی صحنه برخورد میان سرمایه، دانشگاه، صنعت، مهاجران متخصص، شرکت‌های بزرگ، استارت‌آپ‌ها و خدمات شهری است.



سهراب آسا
اکارشناس ارشد سیاست‌گذاری علم و فناوری

در جهان فیلم‌های «گبرمو دل‌تورو»، هیولا معمولاً زودتر از انسان‌ها حقیقت را می‌فهمند. مشکل از شاخ، فلس، بخیه، یا چهره‌های نامتعارف نیست، مشکل از جهانی است که برای هر چیز ناشناخته، راه‌حل‌های ساده و آماده دارد، حبس، آزمایش یا نابودی! موجود فیلم «شکل آب» (Shape of Water) در مخزنی نگه داشته می‌شود، موجود فیلم «فرانکنشتاین» (Frankenstein) از لحظه تولد طرد می‌گردد، و کودکی فیلم «هزارتوی پن» (Pan's Labyrinth) در دل جهانی خشن و نظامی، ناچار است برای زنده نگه داشتن تخیل به راهروهای پنهان، پناه ببرد. دل‌تورو با این موجودات عجیب، یک پرسش ساده اما بسیار هولناک را در پیش روی ما می‌گذارد: «جامعه با چیزی که هنوز نمی‌فهمد، چه می‌کند؟»

این پرسش فقط محدود به پرده سینما یا کلاس‌های فلسفه نیست، پرسشی است که می‌تواند ذهن هر سیاست‌گذار و کارآفرین یا هر معلم و مددکاری را نیز درگیر کند. اینکه هر ایده تازه، هر فناوری نارس، هر شرکت نوپا، هر پژوهش پیشرو یا هر نیروی انسانی بیرون‌مانده از قالب‌های تعریف شده رسمی، در آغاز شبیه همان موجود دل‌تورویی است. به همان میزان نامعمول، نیمه‌فهمیده شده یا حتی مشتم‌کننده، مسئله‌ای که به آسانی یا حذف می‌شود یا تحدید. هر زیست‌بومی فارغ از اینکه طبیعی باشد، فناورانه باشد یا صنعتی، (اگر با ذهنیت پیشینی و مهندسی نمایشی ساخته شده باشد)، پیش از آنکه ناحیه‌ای باشد برای زادوولد یا موجودات موفق و غالب، به‌نظم باید مأمور و پناهگاهی باشد برای فرایندها و موجودات نارس یا غیرمتعارف.

وقتی از این پنجره به زیست‌بوم نوآوری و جهت‌گیرهای تازه در «سیدنی» و ایالت «نیوساوت‌ولز» استرالیا نگاه می‌کنم، فقط داستان ایجاد و شبکه‌کردن چند ساختمان و چند نهاد مالی و یونیکورن و تعدادی اسناد توسعه‌ای را نمی‌بینم. بلکه تلاشی را می‌بینم برای گذار از «سیاست‌گذاری پازلی» (که از کنار هم قراردادن نهادهای ایجاد شده) به «سیاست‌گذاری زیستگاه‌های حفاظت شده» برای آینده‌هایی که هنوز کامل نشده‌اند.

بخش‌های از احوالات سیاست‌گذاران حوزه‌های متنوع اطلاع دقیقی ندارم؛ ولی رایج‌ترین خطای اغلب سیاست‌گذاران حوزه نوآوری کشور آن است که میان بسترسازی طبیعی برای بروز یک اکوسیستم واقعی و چیدن تصنعی نهادهای بازیگران کنار هم در یک فضای گلخانه‌ای فرقی چندانی نمی‌گذارند. بسیاری از دولت‌ها و نهادهای تصور می‌کنند اگر دانشگاه، نهاد مالی، پارک فناوری، مرکز رشد، شتاب‌دهنده، رویداد، سند راهبردی و چند ساختمان مدرن را کنار هم داشته باشند، اکوسیستم برقرار است. اما این‌ها فقط قطعات اند. موجود فرانکنشتاین هم اجزا و قطعات را داشت، آنچه نداشت، زیستگاه بود. مخلوق و یکتور فرانکنشتاین در لحظه تولد وارد جهانی شد که برای او نه نامی برگزیده بودند، نه جایی، نه مراقبتی در کار

شاگردان «هوشنگ ضیایی» در «سه‌شنبه‌های بخارا» از مردی گفتند که عشق به طبیعت را آموزش داد

میراث‌دار امید، احترام و حفاظت

هومن جوکار؛ هوشنگ ضیایی عمری بی‌پایان دارد، زیرا ما اگر زورمان برسد قرار است نسل به نسل او را تکرار کنیم



| مجله بخارا | (ت)



فاطمه باباخانی ا

روزنامه‌نگارا

علی دهباشی در آغاز این مراسم، بخش برجسته این شماره صنوبر را در ویژنامه آن که به «هوشنگ ضیایی» اختصاص داشت، دانست. به گفته او «یک قلب و هزاران چشم» مصداق زندگی استاد ضیایی است.

مانیا شفاهی انتشار این شماره از صنوبر زیر سایه بحران‌های متعدد جامعه ایران را موضوع صحبت خود در این مراسم قرار داد. به گفته او در شرایط قطعی اینترنت، به چندبرابر زمان برای هماهنگی نیاز داشت. «صنوبر دفتر ندارد، هر کدام از اعضا در گوشه‌ای از ایران هستند و قطع اینترنت چالش بزرگی برای ما بود.»

ناهد احمدی کارشناس حیات‌وحش در متنی که برای این مراسم تهیه کرده بود، خاطراتی از زندگی خود با همسرش «هادی فییمی» که خواهرزاده هوشنگ ضیایی است را نقل کرد. خاطراتی که در آن ارتباط صمیمی دایی و خواهرزاده را نشان می‌داد و برهه‌های دشواری از زندگی‌شان که ضیایی تلاش کرده بود از آنها حمایت کند. به گفته احمدی، هوشنگ ضیایی در زندگی آنها عنوان «خان‌دایی» را داشت، لقبی که او می‌خواست برای همیشه نگه‌دارد.

امیدم را از دست نمی‌دهم

هومن جوکار کارشناس حیات‌وحش و مدیر سابق پروژه بین‌المللی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی، زندگی‌اش را دو بخش دانست پیش از آشنایی با هوشنگ ضیایی و پس از آن. «به‌عنوان کسی که ذاتاً به طبیعت علاقه‌مند است، خودم را از خوش‌شانس‌ها می‌دانم که استاد ضیایی در مسیر زندگی‌ام قرار گرفت. پیش از آن، زندگی‌ام به جست‌وجو در طبیعت، ماهیگیری و… می‌گذشت. شاید اگر آن برخورد اتفاق نمی‌افتاد، همچنان در همان مسیر بودم. چندان جذاب ادامه می‌دادم. حضور او در زندگی‌ام اتفاقات زیادی را رقم زد؛ اتفاقاتی که بیش از همه در تغییراتی بود که در شخصیت و نگاه من به وجود آمد و برای تمام آنها ارزش زیادی قائلم.»

از نظر جوکار، اهمیت هوشنگ ضیایی به اهمیت زندگی برمی‌گردد؛ ضیایی کسی که است که زندگی‌اش را وقف حفاظت

از طبیعت کرده‌است، طبیعتی که زندگی ما ریشه در آن دارد. «ما مدیون استاد ضیایی و هم‌دوره‌ای‌های او هستیم.» محیط‌زیستی‌ها در جامعه ایران ناشناخته‌اند، همین موضوع باعث شده تا هوشنگ ضیایی با بیش از ۶۰ ساله سابقه فعالیت در حوزه حفاظت چهره‌ای نام‌آشنا در سطح جامعه نباشد. «استاد ضیایی اگر معمار بود، تا امروز هزاران عکس از او در کنار آثاری که خلق کرده بود داشتیم و شاید حتی جایگاهی بالاتر از حسین امانت و عبدالعزیز فرمان‌فرما پیدا می‌کرد. افسوس که آثار ما محیط‌زیستی‌ها ناملموس است. به جز کتاب بسیار ارزشمندشان یعنی «پستانداران ایران» که در دسترس همه قرار دارد، آثار مجسمی از او در ظاهر نمی‌توان دید، اما اثر حضور استاد ضیایی در روح و وجود کسانی است که تربیت کرده و یکی از آنها من هستم.»

حسرت هومن جوکار این است که در ایران حفاظت‌گران نتوانسته‌اند مراسمی در حد مراسمی که برای «دیوید اتنبورو، مستندساز انگلیسی برای هوشنگ ضیایی برگزار کنند. «از مانیا شفاهی، سردبیر فصلنامه صنوبر، علی دهباشی، سردبیر فصلنامه بخارا و بخش خصوصی ممنونیم که این جلسه را برگزار کردند.»

او در ادامه سخنانش از دو زویبه از هوشنگ ضیایی قدردانی کرد. «از آقای ضیایی ممنونم برای اینکه توانسته این‌همه آدم خوب را برای آینده این مملکت هدایت کند. او در طول مسیر کاری‌اش، هم مدیرکل بوده و هم استاد دانشگاه، اما بخش مهمی از انرژی خود را صرف تعلیم آدم‌ها کرده است، کسانی که می‌توانند این کشور را نگه دارند.»

به گفته جوکار هر کسی باید در حرفه خود به مسئله تعلیم توجه کند، زیرا حتی اگر یک فرد مهم یا مدیر بزرگ باشد اما نتواند نسل جدیدی را تربیت کند، اثرش ماندگار نخواهد بود و به سال‌های عمر خودش محدود می‌شود. «انکرون

» زندگی ما به دو بخش تقسیم می‌شود؛ پیش‌وپس از آشنایی با هوشنگ ضیایی.» این جمله بارها در مراسم رونمایی از سی و دومین شماره فصلنامه «صنوبر» تکرار شد. شاگردان و همراهان ضیایی، از مردی گفتند که نه‌تنها نسل‌های متعددی از حفاظت‌گران را تربیت کرده است، بلکه به گفته «هومن جوکار» به آنها آموخت چگونه «سرشان همیشه در آسمان باشد؛ پر از خیال، پر از آرزو و پر از امید.»

پرونده ویژه سی دو دومین شماره فصلنامه «صنوبر» به «هوشنگ ضیایی» اختصاص داشت. در مراسمی که به مناسبت رونمایی از این فصلنامه به همت «علی دهباشی» سردبیر فصلنامه «بخارا»، «مانیا شفاهی» سردبیر فصلنامه «صنوبر» و شهر کتاب «نیاوران» برگزار شد، «ناهد احمدی»، هومن جوکار، «فرشاد اسکندری»، «شهاب چراغی» کارشناسان حیات‌وحش درباره نقش این پیش‌کسوت در حفاظت از محیط‌زیست ایران گفتند.

آقای ضیایی عمری بی‌پایان دارد، زیرا ما اگر زورمان برسد قرار است نسل به نسل او را تکرار کنیم.»

اما زندگی هوشنگ ضیایی تنها از بعد حرفه‌ای برای جوکار آموزنده نبوده‌و نیست. «من از اومنونم چون نوعی‌انسانیت را در وجود ما شکل داد. من در خانواده‌ای سنتی بزرگ نشدم، اما نمی‌دانستم که یک مرد(در دهه‌های گذشته هنوز نگاه به زن و مرد متفاوت بود) می‌تواند دست یک خانم را ببوسد یا هنگام سوارشدن، در ماشین را برای همسرش باز کند. درعین‌حال، همان آدم می‌توانست کوه را در ده دقیقه بالا برود و همه را پشت سر بگذارد. این نوع احترام گذاشتن به شخصیت زن، خوشایند است و می‌تواند جامعه را لطیف‌تر کند و احترام را به آدم‌ها یاد بدهد.»

به گفته جوکار شیوه زیست هوشنگ ضیایی به او یاد داد که هر چیز محترمی، ارزش احترام گذاشتن دارد؛ حتی اگر برای آن لازم باشد انرژی صرف کنیم. «آقای ضیایی، از شما هرچند کاش بتوانیم به شکلی شایسته از شما تقدیر نبوده‌اید.» تجربه دشوار شش‌ساله هومن جوکار و آموزه‌های هوشنگ ضیایی برای تحمل آن دوران بخش دیگری از سخنان او بود. «من بیش از شش سال در جای بدی قرار داشتم. در شرایط آموزه‌های آقای ضیایی برابم کاربرد داشت. اینکه در عین اینکه پاهایت روی زمین است و از سختی و خشونت جدا نیستی، هیچ‌وقت نباید سرت را تا سطح زمین پایین بیاوری. سر باید همیشه در آسمان باشد؛ پر از خیال، پر از آرزو و پر از امید. من در آن دوران، سرم را با شوق و امید برای امروز بالا نگه داشتم. من ضمن هم‌مدردی با همه کسانی که آزار دیده‌اند، می‌بینند و خواهند دید، امیدم را از دست نمی‌دهم و این را مدیون آقای ضیایی هستم، چون او همین‌گونه زندگی می‌کند.»

سایه‌تان مستدام

فرشاد اسکندری کارشناس حیات‌وحش، ویژگی برجسته در

شخصیت هوشنگ ضیایی را در علاقه‌مند کردن دیگران به مقوله محیط‌زیست دانست. «هر کدام از ما در دوره‌ای از زندگی، به واسطه او مسیری متفاوتی را انتخاب کردیم. من مهندسی صنایع خوانده بودم، اما با مهندس ضیایی آشنا شدم و همین آشنایی باعث شد وارد حوزه محیط‌زیست شوم و تا امروز در همین مسیر بمانم.»

به گفته این کارشناس حیات‌وحش، هوشنگ ضیایی علاقه را چنان به آدم‌ها منتقل می‌کند که پس از گفت‌وگو با او عاشق محیط‌زیست می‌شوند. «استاد روزی به من گفتید برای شما کاری نکرده‌ام، اما حقیقت این است که نه فقط برای من، بلکه برای این وطن و برای تمام آدم‌هایی که کنار شما بودند، کارهای بزرگی کرده‌اید. سایه شما بر سر ما و ایران مستدام باشد. می‌دانم کم‌لطفی‌های زیادی در حق شما شده است. می‌دانم هنوز هم دغدغه دارید. اما کسانی که از شما آموخته‌اند، مراقب جنگل‌های دز هستند، مراقب گوزن زرد و میان کتل هستند، ما تا زمانی که بتوانیم مسیر حفاظت را ادامه خواهیم داد.»

ک در برابر شما تعظیم می‌کنم

شهاب چراغی کارشناس حیات‌وحش برای شروع سخن خود سراغ واژه «Passion» و معادل فارسی آن رفت. «Passion را اغلب به معنای شور اشتیاق، با انگیزه کاری را انجام‌دادن، یا حتی نوعی تعصب مثبت می‌دانند؛ اما هیچ‌کدام به‌تنهایی معنای کامل آن را منتقل نمی‌کنند. انگار همه اینها با هم می‌شود Passion. برای من این کلمه همیشه یادآور آقای ضیایی است.»

به گفته او صحبت‌کردن درباره هوشنگ ضیایی کار سختی است. «روزها و ساعت‌ها می‌توان درباره آقای ضیایی حرف زد؛ از کارهای مثبتش، از پروژه‌های موفقش، از تلاش‌هایی که نگذاشتند به نتیجه برسد و شکست خورد، از شاگردان بسیاری که تربیت کرده است. به‌پاس این‌همه سال تلاش من سرم را در برابر آقای ضیایی پایین می‌آورم.»

مهم‌ترین اثر هوشنگ ضیایی به گفته چراغی انتقال پرچم حفاظت از طبیعت از نسل قبل به نسل بعد بود. «در مقابل نسل پیش از آقای ضیایی که به تعداد انگشتان دست شاگرد تربیت کرده‌اند، او کارنامه‌اش تربیت صدها شاگرد برای حفاظت از طبیعت ایران دارد.»

از نظر چراغی، آقای ضیایی آن چنان را آنچنان‌تر می‌کند. «حضور و کلامش تأثیر عمیقی بر کسانی می‌گذارد که با او هم صحبت می‌شوند. آقای ضیایی عشق به محیط‌زیست را در دل آدم‌ها روشن‌تر می‌کند.»

ک در ایران، آموزش جدی گرفته نمی‌شود

هوشنگ ضیایی آخرین سخنران این مراسم بود. او در ابتدا سراغ آموزش محیط‌زیست برای کودکان رفت و مقایسه‌ای میان ایران و سایر کشورها انجام داد. «در بسیاری از کشورهای دیگر بچه‌ها از سنین پایین از روش‌های مختلف نظیر کتاب، برنامه‌های بازدید از باغ‌وحش‌ها، موزه‌های تاریخ طبیعی و برگزاری تورها، با طبیعت آشنا می‌شوند؛ اما در کشور ما این موضوع چندان جدی گرفته نشده است.» اغلب والدین شافل دردها گندگشده و حتی در زمانه حاضر از مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها برای نگهداری فرزندشان کمک می‌گیرند. همین موضوع باعث می‌شود آنها برای سرگرم‌کردن بچه‌ها سراغ داستان‌های قدیمی بروند. «در اکثر قصه‌ها گرگ بچه را دزدیده و خورده است، یا در ادبیات ما آمده که «ترجم بر پلنگ تیزندان، ستمکاری برگوسفندان است.» کفتار، جغد و خفاش هم شخصیت منفی دارند، با نقل این داستان‌ها بچه‌ها به این گونه‌ها علاقه‌مند نمی‌شوند.» برای ارتباط دانشجویان با طبیعت، هوشنگ ضیایی تلاش کرد آنها را از فضای کلاس خارج کرده و برنامه‌هایی را برایشان تدارک ببیند. اما در دهه هفتاد کار به این آسانی نبود. «آن زمان محدودیت‌های زیادی وجود داشت. نباید به‌خیرها عکس می‌گرفتیم. نباید ضبط‌صوت همراه خودمان می‌بردیم. حتی حضور دختران دانشجو در سفرها بدون پسرها هم مسئله بود. مسئولان دانشگاه می‌گفتند در پاسگاه، محیط‌بان مرد حضور دارد. پس از اصرار من قبول کردند برنامه‌های یک‌روزه برای دختران داشته باشم که شب را در خانه خودشان باشند.» «پارک ملی گلستان» و «پناهگاه حیات‌وحش میان‌کاله» اولین انتخاب‌های ضیایی برای سفر با دانشجویانش در سال ۱۳۷۵ بود. «شاید در این سفرها من الفبای حفاظت را به آنها یاد داده باشم؛ اما اکنون برخی از این دانشجویان دانشمند شده‌اند و امروز من از آنها یاد می‌گیرم.»

۳

| خبر |

معاون دفتر حفاظت حیات‌وحش سازمان محیط‌زیست:

برخی دستگاه‌ها در حفاظت و احیای گونه‌ها همراهی نمی‌کنند

معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات‌وحش سازمان محیط‌زیست با تشریح آخرین وضعیت یوزپلنگ آسیایی و چهار گونه در معرض خطر انقراض دیگر در ایران تأکید کرد: «متأسفانه برخی دستگاه‌ها در مسیر حفاظت و احیای گونه‌ها همراهی کافی نمی‌کنند، درحالی‌که ارزش تنوع زیستی از ثروتی مانند نفت کمتر است. گونه‌ای مانند یوز یک ثروت ملی و یک هویت ملی است.» (معصومه صفایی) افزود: «انقراض گونه‌ها یک اتفاق طبیعی است. از بدو به‌وجودآمدن موجودات زنده، هر گونه‌ای که توانایی سازگاری کمی با محیط داشته باشد، در گذر زمان و با وقوع بحران‌ها منقرض خواهد شد. این انقراض ممکن است در یک منطقه‌ای یا در کل کره زمین رخ دهد.»

او با بیان اینکه موضوع نگران‌کننده سرعت و نرخ انقراض گونه‌های جانوری است، تصریح کرد: «بر اساس یکی از مقالات اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) گذشته هر یک میلیون سال، یک گونه منقرض می‌شد؛ ولی در حال حاضر هر ۴۰ دقیقه، یک گونه گیاهی یا جانوری منقرض می‌شود البته انقراض شامل ریزم موجودات مانند پلانکتون‌های دریایی هم می‌شود.»

معاون دفتر حفاظت از حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به وضعیت ایران گفت: «خوشبختانه گستره پراکش گونه‌هایی مانند گوزن زرد و یوزپلنگ آسیایی خیلی وسیع است. کشورهایی که پیشینه فرهنگی و اصالت دارند، در حوزه حفاظت از حیات‌وحش موفق‌تر عمل می‌کنند اگرچه ما دوگونه شیر ایرانی و ببر ماندنران را از دست دادیم؛ ولی از طرف دیگر برخی از گونه‌ها مانند یوزپلنگ آسیایی، گوزن زرد یا پرندهِهایی مثل سیاه خروس و میش‌مرغ به جز ایران در هیچ یک از نقاط دنیا پراکش ندارند؛ چراکه طبیعت‌دوستی جزو فرهنگ ایرانیان است. تعامل ایرانیان با طبیعت در اشعار و کتیبه‌های به‌جامانده هم دیده می‌شود.» او در بخش دیگری از صحبت‌های خود با بیان اینکه خروج یک گونه از لیست در معرض خطر انقراض طرف یک سال، دو سال و پنج سال و حتی ۱۰ سال امکان‌پذیر نیست، تصریح کرد: «بالغ بر ۳۰ پارمتر یک گونه را در معرض خطر انقراض قرار می‌دهد؛ بنابراین خروج یک گونه از وضعیت در خطر انقراض زمان‌براست.»

صفایی ادامه داد: «وقتی که گونه‌ای در معرض خطر انقراض طبقه‌بندی می‌شود، قوانین و مقرراتی بر آن رده از گونه حاکم می‌شود که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی در زمینه ورود، خروج، پرورش و بهره‌برداری را به نفع گونه افزایش می‌دهد تا به یک حاشیه امن برسد و پس از آن از رده در معرض انقراض خارج شود.»

او با اشاره به آمار گونه‌های جانوری در معرض انقراض در ایران گفت: «بر اساس آخرین فهرست ملی در مجموع ۱۱۷ گونه از مهره‌داران در معرض خطر انقراض در ایران داریم. بر اساس طبقه‌بندی خطر گونه افزایش می‌دهد تا به یک حاشیه امن برسد و پس از آن از رده در معرض انقراض خارج شود.»

اصلاح و مدیریت بکنیم.»

آماده‌باش منابع طبیعی برای مقابله با حریق‌های احتمالی

فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با صدور بیانیه‌ای رسمی، ضمن اعلام وضعیت آماده‌باش ۱۰۰ درصدی نیروهای این یگان در سراسر کشور بر صیانت از عرصه‌های ملی در برابر تهدیدات حریق در فصل گرم پیش رو تأکید کرد.

در متن این بیانیه آمده است: «منابع طبیعی ایران، به‌عنوان رگ‌های حیاتی و بستر توسعه پایدار کشور، سرمایه‌ای است که حفاظت از آن فراتر از یک وظیفه اداری، یک تکلیف ملی و اخلاقی برای تمامی آحاد جامعه است. با فرارسیدن فصل گرما و خشک‌شدن پوشش‌های گیاهی، خطر وقوع حریق در عرصه‌های جنگلی و مرتعی به‌عنوان جدی‌ترین تهدید برای زیست‌بوم ایران خودنمایی می‌کند. لذا به‌منظور پیشگیری از وقوع هرگونه حادثه ناگوار و با هدف کاهش حداکثری خسارات احتمالی، دستورالعمل «آمادگی عملیاتی» به تمام یگان‌های حفاظت در ۳۱ استان کشور ابلاغ شده است. / مرکز روابط‌عمومی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور»

| یادداشت |

مهم‌ترین مناطق زمستان‌گذرانی پرندگان آبی در مسیر مهاجرتی آسیای مرکزی هستند. داده‌های سرشماری زمستانه این پرندگان معمولاً برای ارزیابی وضعیت جمعیت‌ها، اولویت‌بندی اقدامات حفاظتی، مدیریت تالاب‌ها و تحلیل اثرات تهدیدهای انسانی و زیست‌محیطی استفاده می‌شود.

اگر این داده‌ها بدون توجه به تغییرات بزرگ‌مقیاس در کل حوضه خزر تفسیر شوند، ممکن است تصمیم‌گیری‌های مدیریتی به سمت نتیجه‌گیری‌های نادرست هدایت شود. این مقاله همچنین پیشنهاد می‌کند که برای فهم بهتر روندهای آینده، پایش پرندگان آبی باید در مقیاس فراتر از مرزهای ملی و به‌صورت هماهنگ در دو سوی حوضه خزر انجام شود. به باور نویسندگان، مقایسه روندهای زمستان‌گذرانی در تالاب‌های در حال تغییر شمال خزر، به‌ویژه منطقه ولگا،

مهم‌ترین مناطق زمستان‌گذرانی پرندگان آبی در مسیر مهاجرتی آسیای مرکزی هستند. داده‌های سرشماری زمستانه این پرندگان معمولاً برای ارزیابی وضعیت جمعیت‌ها، اولویت‌بندی اقدامات حفاظتی، مدیریت تالاب‌ها و تحلیل اثرات تهدیدهای انسانی و زیست‌محیطی استفاده می‌شود. اگر این داده‌ها بدون توجه به تغییرات بزرگ‌مقیاس در کل حوضه خزر تفسیر شوند، ممکن است تصمیم‌گیری‌های مدیریتی به سمت نتیجه‌گیری‌های نادرست هدایت شود. این مقاله همچنین پیشنهاد می‌کند که برای فهم بهتر روندهای آینده، پایش پرندگان آبی باید در مقیاس فراتر از مرزهای ملی و به‌صورت هماهنگ در دو سوی حوضه خزر انجام شود. به باور نویسندگان، مقایسه روندهای زمستان‌گذرانی در تالاب‌های در حال تغییر شمال خزر، به‌ویژه منطقه ولگا،



نساجی تشنه آب

بحران آب به یکی از مهم‌ترین چالش‌های صنعت نساجی ومد در ایران وجهان تبدیل شده؛ چالشی که بر تولید، فناوری، اشتغال و آینده رقابت‌پذیری این صنعت اثر می‌گذارد



-تولید نساجی

نام زاینده‌رود سال‌هاست با خشکسالی و کم‌آبی گره خورده است. اما در فاصله‌ای نه‌چندان دور از این رودخانه، کارخانه‌های نساجی همچنان بخشی از نخ، پارچه و محصولات پوشاک کشور را تولید می‌کنند؛ صنعتی که شاید کمتر از کشاورزی با بحران آب شناخته شود، اما وابستگی آن به این منبع حیاتی کمتر نیست.

آب در صنعت پوشاک حضوری بنه‌ان اما تعیین‌کننده دارد. از مزایع پنبه و تولیدالیاف گرفته تا فرایندهای رنگرزی، چاپ و تکمیل پارچه، تقریباً هیچ حلقه‌ای از زنجیره تولید نساجی بدون آب معنا پیدا نمی‌کند. به همین دلیل، کمبود آب می‌تواند بر هزینه تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و حتی آینده رقابت‌پذیری این صنعت اثر بگذارد.

البته این نگرانی محدود به ایران نیست. در سال‌های اخیر، بحران آب به یکی از موضوعات اصلی در گزارش‌ها و نشست‌های بین‌المللی صنعت مد تبدیل شده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که کمبود آب در آینده می‌تواند به‌اندازه انرژی و مواد اولیه، سرنوشت صنعت پوشاک را تحت‌تأثیر قرار دهد.



ایشبنم شکوریان

آروزنامه‌نگارا

ک منبعی که دیده نمی‌شود

وقتی درباره مصرف آب صحبت می‌شود، معمولاً نگاه‌ها به سمت کشاورزی یا صنایع سنگین می‌رود. اما صنعت پوشاک نیز یکی از مصرف‌کنندگان مهم

ا‌خبر |

طلای سفید گلستان در مسیر بازگشت

است که درآمد بیشتر و دردسر کمتری داشته باشد.»

«علیقلی ایمانی» افزود: «وقتی برنج، سویا یا حتی برخی محصولات دیگر سود بیشتری نسبت به پنبه دارند، طبیعی است کشاورز به سمت آنها برود. اگرچه قیمت خرید وش پنبه امسال تا حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان مطرح شده اما در عمل به دلیل افت محصول، رطوبت، ناخالصی و واسطه‌گری، رقم نهایی دریافتی کشاورز کمتر از انتظار است و همین موضوع انگیزه تولید را کاهش می‌دهد.»

ایمانی همچنین هزینه بالای برداشت دستی را یکی از مشکلات جدی این بخش عنوان کرد و گفت: «در شرایط فعلی تأمین نیروی کار سخت و پرهزینه شده و بدون توسعه برداشت مکانیزه، امکان رقابت اقتصادی برای پنبه وجود ندارد. احیای طلای سفید تنها با شعار و بخش‌نامه ممکن نیست و باید بسته‌ای کامل از حمایت‌های اقتصادی، فنی و بازرگانی برای کشاورزان تعریف شود.»

رئیس اداره پنبه و دانه‌های روغنی جهاد کشاورزی گلستان نیز با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای توسعه این محصول گفت: «تأمین بذرها‌ی اصلاح‌شده داخلی، توسعه سایت‌های الگویی و حرکت به سمت برداشت مکانیزه از مهم‌ترین برنامه‌های استان برای احیای کشت پنبه است.»

«علی موسی‌خانی» افزود: «برداشت مکانیزه علاوه بر کاهش هزینه‌های تولید، کیفیت محصول را افزایش می‌دهد و همین موضوع می‌تواند سود بیشتری نصیب کشاورزان کند. در حال حاضر بخشی از کمباین‌های برداشت پنبه در استان فعال هستند و در صورت حمایت بیشتر، امکان توسعه این بخش وجود دارد.»

موسی‌خانی، رقابت با محصولات پرمسود به‌ویژه برنج را یکی از مهم‌ترین موانع توسعه کشت پنبه دانست و اظهار کرد: «تا زمانی که اختلاف درآمد میان پنبه و محصولات رقیب زیاد باشد، نمی‌توان انتظار افزایش چشمگیر سطح زیرکشت را داشت.» کارشناسان حوزه کشاورزی معتقدند احیای پنبه در گلستان، علاوه بر حمایت مستقیم از کشاورزان، نیازمند ایجاد زنجیره کامل ارزش افزوده از مزرعه تا صنعت نساجی و پوشاک است که این زنجیره می‌تواند سود تولید را افزایش داده و سرمایه‌گذاری در این بخش را دوباره جذاب کند. ایزنا

پوشاک جهان هنوز اطلاعات شفافی درباره ریسک‌های مرتبط با آب منتشر نمی‌کنند. به بیان دیگر بسیاری از شرکت‌ها هنوز ارزیابی دقیقی از میزان آسیب‌پذیری خود در برابر بحران آب ندارند. این در حالی است که به گفته تحلیلگران، مسئله آب دیگر صرفاً یک دغدغه محیط‌زیستی نیست. کاهش منابع آبی می‌تواند هزینه تولید را افزایش دهد، زنجیره تأمین را مختل کند و حتی محل استقرار کارخانه‌ها را تغییر دهد.

در گزارش دیگری که ووگ بر اساس داده‌های سازمان «CDP» منتشر کرده، آمده است که تنها ۲۱ درصد شرکت‌های موردبررسی، بحران آب و آلودگی منابع آبی را به‌عنوان یک ریسک مالی برای کسب‌وکار خود شناسایی و گزارش کرده‌اند. این در حالی است که بسیاری از تولیدکنندگان پوشاک در کشورهایی فعالیت می‌کنند که به طور مستقیم با تنش آبی روبه‌رو هستند.

ک از بحران اقلیم تا بحران تولید

برای سال‌ها صنعت مد بیشتر به دلیل ردپای کربنی خود مورد انتقاد قرار می‌گرفت. اما امروز تصویر پیچیده‌تر شده است. افزایش دمای زمین، خشکسالی‌های طولانی، تغییر الگوهای بارش و کاهش منابع آب زیرزمینی بر تولید مواد اولیه اثر گذاشته‌اند. پنبه که همچنان یکی از مهم‌ترین مواد اولیه صنعت پوشاک جهان است، در بسیاری از مناطق تحت‌تأثیر تغییرات اقلیمی قرار گرفته است. از سوی دیگر، کارخانه‌های نساجی نیز با فشارهای جدیدی روبه‌رو هستند. محدودیت‌های مصرف آب، هزینه تصفیه پساب و مقررات محیط‌زیستی جدید باعث شده بسیاری از شرکت‌ها به دنبال روش‌های تازه‌ای برای کاهش مصرف آب باشند.

در سال‌های اخیر استفاده از فناوری‌های بازیافت آب، سیستم‌های بسته گردش آب و روش‌های جدید رنگرزی در بسیاری از کارخانه‌های جهان گسترش‌یافته است. شرکت‌های بزرگ نیز اهداف مشخصی برای کاهش مصرف آب تعیین کرده‌اند. برای مثال گروه لوکس «LVMH» اعلام کرده قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ مصرف آب خود را ۳۰ درصد کاهش دهد. این تحولات نشان می‌دهد آب به‌تدریج در حال تبدیل‌شدن به یکی از شاخص‌های مهم رقابت‌پذیری صنعتی است؛ درست همان‌طور که مصرف انرژی یا بهره‌وری تولید اهمیت پیدا کرده‌اند.

ک ایران؛ نساجی در دل مناطق کم‌آب

اگر در اروپا و آمریکا بحران آب به‌عنوان یک چالش آینده مطرح می‌شود، در ایران این مسئله از سال‌ها قبل به بخشی از واقعیت صنعت تبدیل شده است. بخش مهمی از صنعت نساجی کشور در استان‌هایی متمرکز شده که خود با محدودیت منابع آبی مواجه‌اند. اصفهان یکی از مهم‌ترین نمونه‌هاست. استانی که هم یکی از قطب‌های اصلی نساجی ایران محسوب می‌شود و هم سال‌هاست با بحران آب دست‌وپنجه نرم می‌کند. بر اساس آمارهای ارائه‌شده از سوی رئیس انجمن صنعت نساجی و پوشاک استان اصفهان در سال ۱۴۰۴، این استان دارای حدود ۹۸۰۰ واحد صنعتی است که از این تعداد، ۲۳۰۰ واحد در حوزه نساجی فعالیت می‌کنند.

اهمیت اصفهان در صنعت نساجی ایران تنها به تعداد واحدهای تولیدی محدود نمی‌شود. پایگاه خبری صنعت نساجی و فرش ماشینی «آریادوک» نیز گزارش می‌دهد که حدود ۷۵ درصد فرش ماشینی، ۵۰ درصد الیاف و نخ و ۶۰ درصد پارچه کشور در اصفهان تولید می‌شود. بخشی از این محصولات علاوه بر تأمین نیاز بازار داخلی، به کشورهایی مانند افغانستان و عراق نیز صادر

می‌شود. این آمارها نشان می‌دهد که هرگونه محدودیت در دسترسی به منابع آب در اصفهان، تنها یک مسئله محلی نیست؛ بلکه می‌تواند بر بخش قابل‌توجهی از تولید، اشتغال و صادرات صنعت نساجی کشور اثر بگذارد.

یزد نیز شرایط مشابهی با اصفهان دارد. این استان یکی از قطب‌های اصلی صنعت نساجی کشور محسوب می‌شود و درعین‌حال با محدودیت‌های جدی منابع آبی روبه‌رو است.

ک چالشی به نام فناوری

البته مسئله فقط به منابع آب محدود نمی‌شود. فعالان صنعت نساجی ایران سال‌هاست درباره فرسودگی بخشی از ماشین‌آلات هشدار می‌دهند. ماشین‌آلات قدیمی نه‌تنها بهره‌وری پایین‌تری دارند، بلکه معمولاً آب و انرژی بیشتری نیز مصرف می‌کنند. در بسیاری از کشورهای تولیدکننده پوشاک، نوسازی خطوط تولید و استفاده از فناوری‌های کم‌مصرف بخشی از راهبرد کاهش هزینه‌ها و افزایش تاب‌آوری در برابر بحران آب محسوب می‌شود. در ایران اما نوسازی تجهیزات با موانعی مانند هزینه‌های بالا، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و مشکلات تأمین ماشین‌آلات روبه‌رو بوده است. موضوعی که باعث می‌شود بخشی از صنعت نساجی همچنان با فناوری‌هایی فعالیت کند که برای شرایط

رئیس انجمن صنعت نساجی و پوشاک استان اصفهان می‌گوید در سال‌های گذشته حدود ۷۴ میلیارد دلار ماشین‌آلات صنعتی وارد کشور شده، اما سرعت استهلاک تجهیزات از روند نوسازی پیشی گرفته است. نتیجه این روند، افزایش میانگین عمر ماشین‌آلات و کاهش بهره‌وری در بسیاری از واحدهای تولیدی بوده است.

به گفته او، میانگین عمر ماشین‌آلات نساجی در ایران به حدود ۱۵ سال رسیده، درحالی‌که در بسیاری از کشورهای پیشرو، عمر اقتصادی این تجهیزات به حدود پنج سال کاهش یافته است. این فاصله فناوری نه‌تنها قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی را کاهش می‌دهد، بلکه مصرف آب و انرژی را نیز افزایش می‌دهد؛ موضوعی که در شرایط کم‌آبی، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند.

ک آینده‌ای فراتر از مد

آنچه امروز در گزارش‌های تخصصی و نشست‌های بین‌المللی صنعت مد دیده می‌شود، نشان می‌دهد که آب دیگر یک موضوع حاشیه‌ای در بحث پایداری نیست. برای بسیاری از شرکت‌ها، مسئله به مدیریت ریسک، حفظ زنجیره تأمین و رقابت‌پذیری اقتصادی مربوط می‌شود.

شاید به همین دلیل باشد که واژه‌هایی مانند «تاب‌آوری» و «بهره‌وری منابع» بیش از گذشته وارد ادبیات صنعت مد شده‌اند. صنعتی که زمانی بیشتر با ویتترین فروشگاه‌ها و ترندهای فصلی شناخته می‌شد، حالا اجار است درباره منابع طبیعی نیز تصمیم بگیرد.

برای ایران نیز این بحث فقط یک روند جهانی نیست. کشوری که بخش مهمی از صنعت نساجی آن در مناطق کم‌آب قرار گرفته، دیریازود با همان پرسشی روبه‌رو خواهد شد که امروز در بسیاری از کشورهای تولیدکننده پوشاک مطرح است: چگونه می‌توان در شرایط محدودیت منابع، همچنان تولید رقابت‌پذیر داشت؟ پاسخ این پرسش احتمالاً نه فقط در بازار و فناوری، بلکه در نحوه مدیریت یکی از حیاتی‌ترین مواد اولیه تولید نهفته است؛ آبی که شاید در ویتترین فروشگاه‌ها دیده نشود، اما بدون آن بخش بزرگی از صنعت پوشاک امکان ادامه فعالیت نخواهد داشت.

نخ‌ته |

دست‌هایی که تاریخ می‌بافند

صنایع‌دستی لرستان امروز دیگر فقط یک میراث‌فرهنگی نیست، بلکه به‌مسئله‌ای اقتصادی و اجتماعی تبدیل‌شده‌است. هزاران خانواده‌در استان معیشت خود را از همین هنرها تأمین می‌کنند و بسیاری از روستاها و مناطق عشایری، صنایع‌دستی را به‌عنوان تنها راه درآمد پایدار می‌شناسند. بایین‌حال، هنرمندان این حوزه سال‌ها با مشکلاتی مانند نبود بازار مناسب، حضور واسطه‌ها، ضعف برندسازی، مهاجرت نسل جوان و کم‌رنگ‌شدن برخی هنرهای سنتی دست‌وپنجه‌نرم‌گردیده‌اند.

بسیاری از آثار فاخر لرستان، با درآنها رها مانده‌اند یا با کمترین سود به دست دلالان فروخته شده‌اند؛ هنری که ارزش فرهنگی‌اش بسیار بیشتر از نگاه اقتصادی آن است. در سال‌های اخیر اما نگاه تازه‌ای به صنایع‌دستی شکل گرفته است؛ تگاهی که آن را فقط «صنعت سنتی» نمی‌بیند، بلکه از آن به‌عنوان پیشران اشتغال، گردشگری و اقتصاد هویت‌بنیان یاد می‌کند. مسئولان میراث‌فرهنگی می‌گویند امروز بیش از هفت هزار هنرمند صنایع‌دستی در لرستان فعال‌اند؛ هنرمندانی که بخشی از هویت فرهنگی ایران زاینده‌نگه داشته‌اند. به‌طورمثال، فرش وقالی در لرستان فقط یک زیررانداز نیست؛ زبان تصویری زنان لر است. قالی‌های سنتی این استان اغلب بدون نقشه و به‌صورت ذهنی بافته می‌شوند؛ نقوشی که از طبیعت، باورها، حیوانات، کوهستان و زندگی عشایری الهام گرفته‌اند.

کارشناسان قدمت قالیبافی در لرستان را بیش از ۱۵۰ سال تخمین می‌زنند، هرچند شواهد تاریخی نشان می‌دهد این هنر بسیار قدیمی‌تر از این روایت‌هاست. حتی برخی ابزارهای کشف‌شده از مفرغ‌های لرستان، شواهد زیادی به ابزار قالیبافی دارند.

گلیم یا «له» یکی دیگر از دست‌بافت‌های اصیل عشایر لرستان است؛ هنری که در سکوت بیلاق و در میان فراغت زنان عشایر شکل می‌گیرد. زبانی که پس از رسیدن نخ‌ها، آنها را با رنگ‌های طبیعی



روزنامه

www.payamna.ir

نخ‌ته |

آیا صنعت نساجی ایران آماده عصر کم‌آبی است؟



اسارا شرفی پورا

آروزنامه‌نگارا

بخش مهمی از

صنعت نساجی کشور

در استان‌هایی

متمرکز شده که خود

با محدودیت منابع آبی

مواجه‌اند

اصفهان یکی از

مهم‌ترین نمونه‌هاست

استانی که هم یکی از

قطب‌های اصلی نساجی

ایران محسوب می‌شود

و هم سال‌هاست

با بحران آب دست‌وپنجه

نرم می‌کند

از ۵ تا ۷ میلیون ۲۰۲۶. کپنهاگ میزبان «اجلاس جهانی مد» بود؛ شش‌تنی که نخستین‌بار در سال ۲۰۰۹ به‌عنوان رویداد جانبی اجلاس اقلیمی «COP۱۵» کپنهاگ شکل گرفت و امروز به یکی از مهم‌ترین محل‌های تصمیم‌سازی و گفت‌وگو درباره آینده پایدار صنعت مد در جهان تبدیل شده است. در اجلاس امسال، تمرکز اصلی بر مفهوم «تاب‌آوری» بود؛ اینکه صنعت مد چگونه باید خود را با جهانی سازگار کند که با تنش‌های اقلیمی، محدودیت منابع و افزایش هزینه‌های تولید روبه‌روست. در

این نشست، مدیران برندهای بزرگ، سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران و فعالان صنعت نساجی درباره آینده صنعتی گفتگو کردند که سال‌ها تنها با تصویری پر زرق‌وبرق، ویتترین و مصرف شناخته می‌شد، اما حالا بیش از هر زمان دیگری با بحران‌های محیط‌زیستی، کمبود منابع و فشار اقتصادی گره خورده است.

مانند بسیاری از نشست‌های جهانی

مرتبط با مد پایدار، ایران در این رویداد نیز

حضور و نقش پررنگی نداشت؛ این در حالی است که صنعت نساجی در ایران

صنعتی دیرین است. یکی از صنایع

استراتژیک و اشتغال‌زای کشور به شمار

می‌رود و هم‌زمان با چالش‌هایی مانند

بحران آب، فرسودگی بخشی از زیرساخت‌ها

و افزایش هزینه‌های تولید روبه‌رواست.

در سخنرانی «فدریکا مارچونتی»؛

مدیرعامل «گلوبال فشن اجندا» در

افتتاحیه اجلاس آنچه بیش از همه تکرار

می‌شد، نقش پررنگ بحران اقلیم در آینده

صنعت مد بود بحرانی که نه یک مسئله

حاشیه‌ای، بلکه بخشی از آینده صنعت مد

توصیف می‌شود و نشان می‌دهد آب‌وهوا

دیگر فقط پس‌زمینه صنعت مد نیست؛

اقلیم حالا به یکی از عوامل تعیین‌کننده

آینده این صنعت تبدیل شده است.

تا مدتی پیش، وقتی از مد پایدار صحبت

می‌شد، بیشتر تمرکز روی رفتار

مصرف‌کننده بود؛ اینکه کمتر خرید کنیم،

لباس بیشتری بازیافت شود یا برندها از

پارچه‌های سازگارتر با محیط‌زیست استفاده

کنند. اما آنچه امروز در نشست‌های جهانی

مد مطرح می‌شود، فراتر از توصیه‌های

اخلاقی است. مسئله حالا به بقا و تاب‌آوری

صنعت رسیده است.

افزایش دمای زمین، خشکسالی، سیل و

آتش‌سوزی‌های گسترده، مستقیماً بر تولید

مواد اولیه‌ای مانند پنبه و پشم اثر

گذاشته‌اند. زنجیره‌های تأمین جهانی بارها

بر اثر بحران‌های اقلیمی مختل شده‌اند و

هزینه‌های تولید در بسیاری از کشورها افزایش

یافته است. به همین دلیل، صنعت مد

امروز دیگر فقط درباره طراحی لباس حرف

نمی‌زند؛ درباره آب، انرژی، فناوری و آینده

تولید صنعتی صحبت می‌کند.

این همان نقطه‌ای است که بحث جهانی

مد پایدار، برای ایران نیز معنای جدی پیدا

می‌کند. در کشوری که سال‌هاست با

بحران آب روبه‌روست، صنعت نساجی

دیگر نمی‌تواند صرفاً با الگوهای قدیمی

تولید ادامه دهد. بخش‌هایی مانند

رنگرزی و تکمیل پارچه از صنایع پرمصرف

آب و انرژی محسوب می‌شوند و ادامه

فعالیت آن‌ها بدون نوسازی فناوری و

همگام‌شدن با تغییرات جهانی، در آینده

این صنعت را با چالش‌های بیشتری از

جمله در زمینه صادرات مواجه خواهد کرد.

در اجلاس کپنهاگ، از مواد اولیه

کم‌مصرف‌تری فناوری‌های جدید نساجی و

کاهش اثرات اقلیمی صنعت مد صحبت

شد؛ موضوعاتی که شاید در نگاه اول به

ترندهای جهانی مد مربوط باشند، اما برای

ایران بیشتر از آنکه یک انتخاب لوکس

محسوب شوند، به یک ضرورت صنعتی

شباهت دارند.

شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که چرا

کشوری با صنعت نساجی گسترده و درگیر با

بحران منابع، سهمی در این گفت‌وگوهای

جهانی ندارد؟ آیا صنعت نساجی ایران قرار

است صرفاً مصرف‌کننده روندهایی باشد که

در جای دیگری درباره آن تصمیم‌گیری

می‌شود، یا می‌تواند در آینده نقشی فعال‌تر

در این مسیر پیدا کند؟

جهان مد امروز دیگر فقط درباره رنگ فصل

و طراحی لباس تصمیم نمی‌گیرد. بخشی از

آینده این صنعت، در اتاق‌هایی تعیین

می‌شود که درباره آب، اقلیم و تاب‌آوری

اقتصادی حرف می‌زنند و شاید مهم‌ترین

مسئله برای ایران این باشد که در این

گفت‌وگوها، هنوز صدای چندان‌ی از ما

شنیده نمی‌شود.

پایان ما دیروز

روزنامه جنت
گمشده در میان وندها
اصول حکمرانی پیمایی
نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان
بوده و لزوماً دیدگاه روزنامه نیست.

بهرام گوربوری کورها
آخرین تکه سرسبز
در جهانیا کورتیمها

تیمون جنگ
وفسلی برای
زندگی نو
در کسب و کار

اصطلاحات
در میان کشاورزان
در کسب و کار

بهرام گوربوری کورها

اصطلاحات
در میان کشاورزان
در کسب و کار

بهرام گوربوری کورها

اصطلاحات
در میان کشاورزان
در کسب و کار

تجدیس

تمدیدنمایشگاه
«یازده اثر از هنرمندان چاپگر مکزیک»

رویداد سوم از مجموعه برنامه‌های «هنر و جنگ» (Art & War) که شامل نمایش یازده اثر از هنرمندان چاپگر برجسته مکزیک از گنجینه این موزه است، تا ۱۷ خرداد ۱۴۰۵ تمدید شد.

به گزارش روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران، هم‌زمان با تمدید این رویداد، سفیر مکزیک در تهران، «گیرمو پوئنته اردویریکا»، ضمن تقدیر و استقبال از برگزاری چنین برنامه‌ای، متنی به شرح زیر به این نمایشگاه ارائه کردند:

«هنر چاپگری مکزیک از دیرباز ابزاری قدرتمند برای بیان هنری، ارتباطات اجتماعی و تأمل سیاسی بوده است. این زبان بصری که در بستر پس از انقلاب مکزیک شکل گرفته، از ارزش زیبایی‌شناختی خود فراتر رفته و به ابزاری برای بیان تجربیات جمعی، حافظه تاریخی و آرمان‌های عدالت اجتماعی تبدیل شده است.

این نمایشگاه فرصتی ارزشمند برای تعامل با این سنت هنری از طریق آثاری ارائه می‌کند که مضامین جهانی؛ مانند هویت، تاب‌آوری و کرامت انسانی را در مواجهه با چالش‌های زمانه ما منعکس می‌کنند.

گنجاندن این نمایشگاه در مجموعه «هنر و جنگ» در موزه هنرهای معاصر تهران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا گفت‌وگو بین سنت‌های هنری مختلف را در مورد تأثیر دگرگونی‌ها و بحران‌ها بر تجربه انسانی تقویت می‌کند.

مطمئنم که این نمایشگاه به تقویت درک فرهنگی بین مکزیک و ایران کمک خواهد کرد و به عموم مردم این امکان را می‌دهد که از غنای یک سنت هنری که عمیقاً با تاریخ اجتماعی مکزیک مرتبط است، قدراندی کنند.»

خبرش روز

نگاهی به وضعیت گیشه سینما و تئاتر در روزهای پس از جنگ

گیشه زنده شد؟

۵ هزار تماشاگر برای ۷ نمایش در سالن‌های دولتی
رومی صحنه دیدن کرده‌اند؛ عددی که نسبت به دوره‌های آمارهای منتشرشده از مجموعه سالن‌های اداره کل هنرهای نمایشی شامل مجموعه «تئاتر شهر»، «تالار هنر» و «تماشاخانه سنجلک» تا روز جمعه ۸ خردادماه ۱۴۰۵ می‌دهد که مجموعاً حدود ۵ هزار نفر از ۸ نمایش



نشست

به بهانه تجدید چاپ کتاب «ستیز قدرت»

چالش بازنویسی تاریخ معاصر در ستیز قدرت

به مناسبت تجدید چاپ کتاب «ستیز قدرت» نوشته «محمدصادقی» (انتشارات دوستان، ۱۴۰۵) نشست بررسی و نقد این کتاب در کافه «کاران» برگزار شد. این کتاب که با مقدمه «مصطفی ملکیان» منتشر شده، شامل سه مقاله بلند درباره‌ی «رزم‌آرا»، «حزب توده» و سازمان نظامی آن، و ماجرای ۲۳ تیر و استعفای وزیر کشور دولت مصدق است. محمد صادقی در این نشست، ابتدا درباره‌ی تاریخ‌نگاری در ایران صحبت کرد و گفت: به نظر من تاریخ‌نگاری ما و

به مناسبت تجدید چاپ کتاب «ستیز قدرت» نوشته «محمدصادقی» (انتشارات دوستان، ۱۴۰۵) نشست بررسی و نقد این کتاب در کافه «کاران» برگزار شد. این کتاب که با مقدمه «مصطفی ملکیان» منتشر شده، شامل سه مقاله بلند درباره‌ی «رزم‌آرا»، «حزب توده» و سازمان نظامی آن، و ماجرای ۲۳ تیر و استعفای وزیر کشور دولت مصدق است. محمد صادقی در این نشست، ابتدا درباره‌ی تاریخ‌نگاری در ایران صحبت کرد و گفت: به نظر من تاریخ‌نگاری ما و

به مناسبت تجدید چاپ کتاب «ستیز قدرت» نوشته «محمدصادقی» (انتشارات دوستان، ۱۴۰۵) نشست بررسی و نقد این کتاب در کافه «کاران» برگزار شد. این کتاب که با مقدمه «مصطفی ملکیان» منتشر شده، شامل سه مقاله بلند درباره‌ی «رزم‌آرا»، «حزب توده» و سازمان نظامی آن، و ماجرای ۲۳ تیر و استعفای وزیر کشور دولت مصدق است. محمد صادقی در این نشست، ابتدا درباره‌ی تاریخ‌نگاری در ایران صحبت کرد و گفت: به نظر من تاریخ‌نگاری ما و

به مناسبت تجدید چاپ کتاب «ستیز قدرت» نوشته «محمدصادقی» (انتشارات دوستان، ۱۴۰۵) نشست بررسی و نقد این کتاب در کافه «کاران» برگزار شد. این کتاب که با مقدمه «مصطفی ملکیان» منتشر شده، شامل سه مقاله بلند درباره‌ی «رزم‌آرا»، «حزب توده» و سازمان نظامی آن، و ماجرای ۲۳ تیر و استعفای وزیر کشور دولت مصدق است. محمد صادقی در این نشست، ابتدا درباره‌ی تاریخ‌نگاری در ایران صحبت کرد و گفت: به نظر من تاریخ‌نگاری ما و



عکس: فریبا طرحانی - ایرنا

«کتل» یکی از آیین‌های سوگواری قوم بختیاری است که با نوای سوزناک «چیپی» (وارونه) و همراهی کرنا و دهل برگزار می‌شود.

کتاب

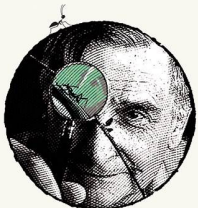
مقلب‌ها بخشیده نمی‌شوند



فاطمه باباخانی

روزنامه‌نگار

نامه‌هایی به دانشمند جوان



اودارد ویلسون
ترجمه: مریم برومندی

«در جهت صدای توپ به پیش‌اجدال و کشمکش را از دور تماشا کنید و اگر در میانه کشمکش هستیند، بکشید که جنگ خودتان را راه بیندازید.» این گفته اگرچه برخلاف قانون معروف نظامی برای بسیج کردن لشکریان در میدان نبرد است، اما از نظر «اودارد ویلسون»، زیست‌شناس تکاملی، قانونی است که در علم جواب می‌دهد. او در اثر خود به نام «نامه‌هایی به دانشمند جوان» به پژوهشگران جوان توصیه می‌کند که به دنبال حوزه‌ای از دانش برای تحقیق باشند که زیاد شلوغ نشده است. این زیست‌شناس و طبیعی‌دان آمریکایی در این زمینه به تجربه خودش اشاره می‌کند. «من وقتی وارد دانشگاه شدم، فقط تعداد کمی پژوهشگر تمام‌وقت در سرتاسر جهان به کار روی مورچه‌ها مشغول بودند. من قبل از اینکه شلوغ شود، معدن طلا را کشف کرده بودم. بعد از آن تقریباً هر پروژه پژوهشی که شروع می‌کردم، فارغ از آن اینکه چقدر ساده بود که در اصل همه‌شان هم ساده بودند، با کشفیاتی به پایان رسید که می‌شد در مجلات علمی منتشر کرد.» این گفته ویلسون محدود به کسانی که وارد حوزه محیط‌زیست طبیعی می‌شوند نیست. پژوهشگران جوان در هر شاخه‌ای از علم بهتر است سرگ حوزهای بیرون بروند که کار کمتری در آن انجام شده است. این انتخاب باعث می‌شود در رقابت کمتری با سایرین باشند، علم را در آن حوزه گسترش دهند و خودشان هم خیلی سریع به شهرت برسند و دستشان برای پژوهش‌های بعدی بازر باشد. هدف ویلسون در «نامه‌هایی به دانشمند جوان» تنها به انتخاب حوزه پژوهشی نمی‌پردازد، او در اثر خود تأثیر دانش ریاضی در فعالیت‌های پژوهشی و تجربه‌هایش در مناطق و کشورهای مختلف را هم با خوانندگان به اشتراک می‌گذارد. در آخر هم سراغ «اخلاق علمی» می‌رود. به گفته او وقتی چند پژوهشگر هم‌زمان حوزه تحقیقاتی جدیدی را ایجاد می‌کنند، غالباً یک دوره همکاری پوییمان را تجربه می‌کنند. ولی در مراحل بعدی که به عنوان گروه‌های رقیب در پی اکتشافات یکسان می‌افتند، مقداری حسادت و چشم‌هم‌چشمی اجتناب‌ناپذیر است. چنین رقابتی به معنای داشتن رقبای محترم و بی‌رحم است. شایعه‌سازی و بی‌بازاری‌کاری شروع می‌شود، همچنان‌که در تجارت، کارآفرینان از اینکه رقیبانشان در بازار به آنها ضربه بزنند در غم‌اند. در این شرایط توصیه ویلسون به دانشمندان جوان این است که در خواندن مقالات و ارجاع‌دادن به آنها بکوشند. هر جا لازم است به دیگران و کارهای شایسته‌شان اعتبار بدهند و طبعاً همین انتظار را از دیگران داشته باشند. ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

دست پیدا کرد است. در کنار سالن‌های دولتی، سالن‌های خصوصی مانند نوفل‌لوشاتو و لوبخند نیز همچنان میزبان اجراهای متعدد هستند؛ موضوعی که نشان می‌دهد بخش خصوصی در حال حفظ حداقلی خرجه تولید است، هرچند فشار اقتصادی بر آن محسوس است و هنوز درباره طرح حمایتی از این سالن‌ها صحبت نشده.

سینما: رشد مخاطب در دل بی‌ثباتی

در بازه زمانی ۸ تا ۲ خردادماه، سینماهای سراسر کشور میزبان ۲۹۷ هزار و ۲۳۹ مخاطب بوده‌اند و گیشه نیز به رقم ۴۰ میلیارد و ۳۷۴ میلیون تومان رسیده است. این آمار نسبت به هفته‌های ابتدایی سال رشد محسوسی را نشان می‌دهد و حاکی از آن است که مخاطب سینما به تدریج در حال بازگشت به سالن‌هاست. بیشترین سهم مخاطب این هفته مربوط به فیلم «ماجراجویی در جزیره جیمزباند» به کارگردانی یهمن گودریزی با ۹۲ هزار و ۴۶۶ مخاطب بوده است. پس از آن «تهران‌کنارت» با ۷۱ هزار و ۱۰۲ مخاطب و «کفایت مذاکرات» با ۴۳ هزار و ۱۴۴ مخاطب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. فیلم‌های «انتیک» و «تاکسیدرمی» نیز در میان آثار پربیننده هفته دیده می‌شوند و بخش قابل‌توجهی از گردش مالی گیشه را به خود اختصاص داده‌اند. به گزارش سینماشهر پردیس سینمایی کوروش با بیش از ۱۷ هزار مخاطب در صدر پربازدیدترین سینماهای کشور قرار گرفته و پس از آن ایران‌مال، هدیش، هنر شهر آفتاب و اکومال کرج قرار دارند؛ موضوعی که نشان می‌دهد تمرکز مخاطب همچنان

عامل خارجی جلوه دادند، مصدق او را تهدید به کشتن کرد و ادعا هم داشت که او وقتی ریاست ستاد ارتش را برعهده داشته میلیون‌ها زدی انجام شده، و باز چون رزم‌آرا ماده‌واحد‌ای برای تشکیل انجمن‌های محلی در استان‌ها و شهرستان‌ها به مجلس ارائه کرد تا امور اجتماعی که با منافع عمومی محلی مردم کشور ارتباط دارد توسط انجمن‌های محلی اداره شوند مصدق او را عامل تجزیه ایران معرفی کرد و مرگ بر افسرانی فرستاد که می‌خواهند نام ایران را از صفحه تاریخ حذف کنند. مصدق بعدها از این هم فراتر رفت و ادعای تازرای مطرح کرد و گفت: چون رزم‌آرا از بیگانگان مأموریت داشته که انجمن‌ها را تشکیل دهد با او مخالفت کرده است. حالا برویم ببینیم برای این ادعاها چه سند و مدرکی ارائه شده؟ هیچ! اینها!

مصدق در مجلس این را مشخص کردم که وزیر کشور استعفای خود را تقدیم کرده بوده و بزکباری در کار نبود. نمونه دیگری هم در کتاب آورده‌ام تا نشان دهم کوشش بسیاری انجام گرفته تا تور رزم‌آرا را مهم جلوه دهند. برخی از نویسندگان تاریخ‌نگارها در کتاب‌های خودشان مانند «خواب آشفته‌نفت»، «مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران» و... در این زمینه کوشا بودند تا آن تور را متوجه شخص دیگری بکنند. اگر خوب بنگریم این کوشش‌ها خیلی هم جهت‌دار هستند و پشتوانه آن هم استدلال‌های سستی است که در کتاب به آنها پرداخته‌ام. صادقی افزود: اقلیت جبهه ملی در مجلس شانزدهم هنگامی که رزم‌آرا به نخست‌وزیری رسید، فقط هشت نفر بودند؛ ولی خیلی فعال و پُر سروصدا بودند. فقط ببینید وقتی رزم‌آرا برای معرفی کابینه وارد مجلس شد چه رفتاری با او کردند، او را

آگهی مفقودی
تمامی مدارک خودروی تاکسی پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۰ به شماره موتور ۰۸۸۴۰۸۱۱۸۸ و شماره شاسی ۸۰۴۹۲۶۶۷ به شماره شاسی ۸۷۱۱۸۱۰۲۴۰۱۰۲۴ NLN0P740107401024 به شماره پلاک ۴۶ ایران ۳۶۵ و ۷۱ به نام صدیقه غلام‌پور چماچانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. قزوین

آگهی مفقودی
تمامی مدارک خودروی مینی‌بوس کارسان تیپ ۳۹ مدل ۲۰۰۷ رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۳۶۵۳۵۲۸۰ و DY746335024 به شماره شاسی ۰۸۷۱۱۸۱۰۲۴۰۱۰۲۴ NLN0P740107401024 به شماره پلاک ۴۶ ایران ۳۶۵ و ۷۱ به نام صدیقه غلام‌پور چماچانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. قزوین

آگهی مفقودی
کارت و سند و برگ سبز خودرو، خودرو سوری، سواری، سیستم، هیوندای، تیپ، سانتافه ۲۴۰۰ به رنگ، سفید، مدل ۲۰۱۴ به شماره موتور ۳۶۵۳۵۲۸۰ و G4KEU365628 به شماره شاسی: ۳۳۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹۹ KMHSU81CDEU339949 به شماره پلاک: ۷۱ ایران ۸۶ به نام: رامین قصدیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. شهرپاک

نوبت اول
فراخوان مناقصه عمومی دومرحله‌ای
تأمین کالا ۰۰۸/ت ک آج/۱۴۰۵
شرکت بهره‌بردار نفت و گاز آغاچاری در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی (خرید دو دستگاه توربو ژنراتور جهت برق اضطراری) به شماره (۰۲۰۰۵۰۹۳۲۲۸۰۰۰۰۰۷۳) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۰۷/۰۳/۱۴۰۵ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۰ امتیاز می‌باشد. مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی: از ساعت ۸:۰۰ صبح تاریخ ۰۷/۰۳/۱۴۰۵ الی ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۶/۰۳/۱۴۰۵ مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: تا ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۰۴/۰۳/۱۴۰۵
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گذار:
آدرس: استان خوزستان - شهرستان امیدیه - بلوار نفت - شرکت بهره‌بردار نفت و گاز آغاچاری / اداره تدارکات وامور کالا کفکس: ۰۶۱۵۲۶۲۶۸۳
تلفکس: ۰۶۱۵۲۶۲۸۹۷
تلفن: ۰۶۱۵۲۶۲۲۷۳ داخلی ۲۳۱۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴
دفتر ثبت نام: ۰۸۸۹۶۹۷۳۷-۸۸۹۳۷۶۸-۸۵۱۹۳۷۶۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۰۳/۰۳/۱۴۰۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۳/۰۳/۱۴۰۵

شناسه آگهی: ۲۸۱۹۱